

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جوانان انقلابی و دلسوز ایران عزیز

در ماههای گذشته بسیاری از شما به صورت حضوری و غیرحضوری با من از دغدغه‌های جدی خود درباره آینده کشور و انقلاب سخن گفتید. این شور و شوق و احساس مسئولیتِ تحسین برانگیز شما مرا بر آن داشت که دست به قلم برده و برخی نگرانی‌های خودم را با شما و مردم عزیزمان در میان بگذارم. پایان رقابت‌های انتخاباتی به معنای فراموش کردنِ ناکارآمدی‌های دولتِ مستقر یا نادیده گرفتن برخی خطاهایِ دوستانِ جبهه انقلاب نیست. ناکارآمدی در حلِ معضلاتِ اقتصادی، گذرانِ زندگی همراه با آرامشِ خاطر را برای بسیاری از مردم، روز به روز دشوارتر می‌کند و این در حالی است که عده‌ای می‌خواهند برای فرار از مسئولیت و پاسخگویی، هرگونه انتقادی را با نسبت دادن به رقابت‌های انتخاباتی نادیده گرفته و کم اهمیت جلوه دهند؛ هر زمان که به سودشان باشد به رقابت‌های انتخاباتی ارجاع می‌دهند و هر زمان که به ضررشان باشد می‌گویند رقابت تمام شده است. این برخورد دوگانه خطر هدررفتن سرمایه اجتماعی و ملی را به همراه دارد؛ گویی دولت خود را بی نیاز از سایر مردمی می‌داند که به هر دلیلی به رئیس‌جمهورِ مستقر رای نداده‌اند. کیست که نداند دعوایِ سیاسیِ غیر ضروری چند هفته گذشته برای آن بوده که معضلات و ناکارآمدی اقتصادی به حاشیه برده شود.

در حالی که خبر تعطیلی بنگاه‌های تولیدی و بیکار شدن کارگران یکی پس از دیگری شنیده می‌شود و مردم، نگرانِ عواقب سیاست‌های بانکی و تداوم رکود هستند، رئیس‌جمهورِ محترم حرف از پایانِ دورانِ رکود می‌زند. این تناقض را ای بسا تنها با راه‌اندازی جنجال‌های سیاسی بتوان حل کرد؛ و گرنه مردم به چشم خود می‌بینند که دولتِ مستقر به جای حل مشکلاتِ کلان اقتصادی کشور، بر طبل حاشیه‌سازی و ایجاد شکاف در حاکمیت و اداره کشور می‌کوبد.

در برابر این نگرانی‌های دلسوزانه، دو پرسش بیش از هر چیز، ذهن من را به خود مشغول کرده است: پرسش اول این که ناکارآمدی دولت زمینه را برای تغییر در وضع موجود در افکار عمومی کاملاً مهیا کرده بود، چه عواملی باعث شد که ما این فرصت بزرگ را هم مانند گذشته از دست بدهیم و در عمل اجازه بدهیم با تثبیت مدیریت خسته، بسته و زاویه‌دار با گفتمان انقلاب اسلامی و منافع ملی، زندگی جاری مردم و آرمانهای انقلاب اسلامی چهار سال دیگر

در بیم و نگرانی سپری شود؟ و در پی این سوال، پرسش بعدی مطرح می شود که برای اصلاح این روندی که سالهاست ادامه دارد و باعث شده جمهوری اسلامی نتواند در دوران پس از دفاع مقدس حتی یک دولت کارآمد در حل نیازهای مادی و معنوی مردم و نزدیک به افق آرمان‌های انقلاب اسلامی را تشکیل دهد، چه باید کرد؟

در گفتگو با شما جوانان مؤمن، دلسوز انقلاب و نظام و کشور، جواب‌های متعددی در پاسخ به این دغدغه‌ها شنیده‌ام که نشان می‌دهد بسیاری از شما دلیل شکست‌های اخیر جریان اصول‌گرایی، در جلب نظر مردم در انتخابات را، نتیجه اشکالات ساختاری، رویکردی و عملکردی در سطوح کلان و خرد می‌دانید. لذا به این باور رسیدم که «تغییر اساسی در نحوه کنش جریان اصول‌گرایی» یکی از مطالبات اصلی امروز شما جوانان مؤمن و دلسوز انقلاب و کشور است. امروز دیگر روشن است که اصول‌گرایی باید با حفظ مبانی و ارزش‌های انقلابی جمهوری اسلامی، در نگرش و شیوه سیاست‌ورزی خود متحول شود و با گفت‌وگو و با چهره‌هایی نو، حرکت در راستای «نواصول‌گرایی» را هرچه زودتر آغاز کند.

برادران و خواهران عزیزم

این انقلاب با تکیه بر شور و انگیزه جوانان پیروز شد و این نظام با فداکاری آنها بقای خود را تضمین کرد. در ادامه راه نیز چاره‌ای جز تکیه بر جوانان در انجام کارهای بزرگ و ماندگار نیست و یکی از کارهای بزرگ جسارت «خودانتقادی» و متحول کردن اصول‌گرایی، بدون تضعیف این جریان در مقابل رقیبی است که اصلی‌ترین هنر آن تزریق ترس مصنوعی به جامعه، به قصد فراموش کردن وعده‌ها و ناکارآمدی‌هایش است. امیدوارم دیگر دوستان مسئول و اثرگذار در جبهه اصول‌گرایی این پیام و درخواست شما را، برای ایجاد این تحول بزرگ و ضروری، بشنوند و بدانند «خودانتقادی» و تغییر نشانه قوت است و نه ضعف.

این مهم زمانی اتفاق خواهد افتاد که شما امیدوارانه، فعالانه و آتش‌به‌اختیار وارد صحنه شده، منتظر اقدامات از بالا به پایین در جریان اصول‌گرایی نباشید؛ زیرا تحلیل رفتارهای پس از انتخابات برخی دوستان نشان می‌دهد تصمیم‌گیری در این مورد در رأس جریان همچنان دچار اختلال است.

بدون شك نخستین گام در انجام این رسالتِ مهم و به سر منزل مقصود رساندنِ آن، ترسیم ویژگی‌ها و مبانیِ «نواصول‌گرایی» است و لذا بر آنم که در همین باب چند پرسش و دغدغهٔ جدی را با شما در میان بگذارم و شما را دعوت کنم در عرصهٔ عمومی، و در صورت تمایل به صورت خصوصی، جواب آنها را به بحث و گفتگو بگذارید:

۱- از یک منظر آسیب‌شناسانه، «اصول‌گرایی» چه ضعف‌های ساختاری، عملکردی و رویکردی دارد که باید آنها را اصلاح کرد؟ «نواصول‌گرایی» در این سه مورد کدام دغدغه‌ها را باید مورد توجه قرار دهد؟ چتر نواصول‌گرایی باید شامل کدام گروه‌های جامعه باشد؟

۲- چگونه و با چه روشی می‌توان از اصول‌گرایی به سمت نواصول‌گرایی حرکت کرد؟ و چهره‌های جدیدی که می‌توانند این کار را انجام دهند باید چه خصایصی داشته باشند و نقش جوانان در این روند چیست؟

۳- جایگاه مردم در نواصول‌گرایی چگونه باید باشد؟ آیا ما نیازمند بازگشت به مردم و توجه به مطالبات و نقش آنها در اداره همه امور نیستیم؟ چگونه می‌توان بدون چشم‌پوشی از آرمان‌ها با واقعیتِ تغییرِ سبکِ زندگیِ طبقهٔ متوسط کنار آمد؟

۴- شیوه تعامل نواصول‌گرایی با دولت چگونه باید باشد؟

۵- نسبت نواصول‌گرایی با رهبری انقلاب، نهادهای حاکمیتی و جریان‌های سیاسیِ رقیب چگونه باید باشد؟

محمدباقر قالیباف

۳۱ تیرماه ۱۳۹۶

ارسال نظر از طریق سایت:

<http://ghalibaf.ir/page/contact>

ارسال نظر از طریق تلگرام (ارسال به ادمین کانال):

[http://t.me/ghalibaf\\_official](http://t.me/ghalibaf_official)